

گاف دیپلماتیک در تعامل با امارات یا خطای محاسباتی؟

هفته گذشته و در حاشیه هجدهمین اجلاس سران کشورهای عضو بریکس در دهلی نو، مسعود پزشکیان با خالد بن محمد بن زاید آل نهیان بعنوان "ولیعهد امارات متحده عربی" دیدار کرد. سایت ریاست جمهوری نیز از خالد بن زاید بعنوان ولیعهد امارات نام برد در حالیکه شخص طرف ملاقات رئیس دولت، ولیعهد ابوظبی بوده و نه ولیعهد امارات! علیرضا مجیدی، کارشناس مسائل غرب آسیا در اینباره گفته است: در امارات اصلا منصبی به نام ولیعهد وجود ندارد. خالد بن محمد بن زاید، که با آقای پزشکیان دیدار کرد صرفا جانشین حکومت شهر ابوظبی و رئیس سازمان امنیت داخلی آن کشور است. من نمی دانم چه کسی به رئیس جمهور ما گفته بود که این شخص ولیعهد امارات است؟



۲

سیمایی صراف در ریاض چه می کند؟

همزمان با مطالبه یوسف پزشکیان از مردم مبعوث برای سفر نرفتن، وزیر علوم با تعداد قابل توجهی از همراهان برای شرکت در یک همایش غیرضروری و برگزاری عمره در عربستان بسر می برد. این سفر غیرضروری که با پرواز اختصاصی صورت گرفته همزمان با آغاز سال تحصیلی دانشگاه ها تعجب زیادی را حتی در وزارتخانه متبوع سیمایی صراف برانگیخته است.

۳



رئیس شورای اطلاع رسانی دولت سیزدهم:

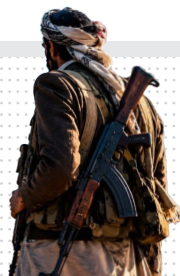
پاسخ مخاصمه و محاصره، مذاکره و مفاهمه نیست

۳

شکاف در ائتلاف سعودی و تلاش ریاض برای پایان جنگ:

تصمیم علی الاصول یمن

۶



سفر به نیویورک؛ تکرار یک نگرانی قدیمی

پدرام حسینی
روزنامه نگار

خبر سفر پزشکیان و هیأت همراه به نیویورک برای شرکت در اجلاس سالانه مجمع عمومی سازمان ملل، در شرایطی منتشر شده که آمریکا محدودیت های هیأت ایرانی را به شدت افزایش داده است. اما نگرانی اصلی فقط محدودیت های آمریکایی ها نیست؛ نگرانی بزرگ تر، تکرار مواضع نسنجیده ای است که در اجلاس بریکس در دهلی نو و اجلاس شانگهای در بیشکک مطرح شد؛ موضوعی که این سؤال را پیش روی افکار عمومی قرار داده است که آیا برای سخنان رئیس جمهور در یکی از مهم ترین تریبون های بین المللی، کنترل و هماهنگی لازم وجود دارد یا قرار است بار دیگر واشنگتن از یک موضع رسمی پزشکیان علیه منافع ایران بهره برداری کند؟

متن کامل در صفحه ۷

صفحه ۳

سیاسی

بحران را از جیب مردم تأمین نکنید

هدف دشمن آمریکایی از اعمال تحریم و عملیات های روانی، فلج کردن ساختارهای تولیدی و شکستن مقاومت جامعه ایرانی است، دولت باید برای خنثی سازی این فشار و شوک روانی آن برنامه داشته باشد.

صفحه ۱۱

سیاست خارجی

تله وقت کشی ترامپ

گمانه زنی ها، از احتمال سفر یکی از مقامات ارشد پاکستان به تهران برای انتقال پیام یا بسته پیشنهادی جدید آمریکا حکایت دارد؛ بسته ای که برای یک پنجره زمانی ۴۰ تا ۵۰ روزه طراحی شده و پرونده هسته ای و تنگه هرمرزا همزمان در بر می گیرد.

رئیس دولت در حالی با ولیعهد امارات دیدار کرد که در ساختار این کشور، جایگاهی به عنوان ولیعهد وجود ندارد

گاف دیپلماتیک پزشک‌های

مواجهه بوده، اینبار در دیدار با ولیعهد ابوظبی، مرتکب خطا شده و با او به عنوان ولیعهد امارات متحده عربی دیدار و گفتگو کرد!

مسعود پزشک‌های که از ابتدای دوران ریاست جمهوری خود همواره با چالش‌های متعددی در سفرهای خارجی و یا دیدارهای دیپلماتیک



جعفر کاظمی

روزنامه‌نگار

مکالمه با او به زبانی غیر از زبان رسمی کشور نیز در سالهای اخیر حاشیه‌ساز شده بود. خود پزشک‌های در جریان یکی از سفرهای خارجی خود در پخش زنده و در شرایطی که نمی‌دانست میکروفن باز است، گفته بود: «ما را به دیپلماسی وادار می‌کنند که بلد نیستیم!»

گذشته از بی‌اطلاعی رئیس دولت از آداب دیپلماسی، آنچه در این میان بیشتر به چشم می‌خورد احتمال زیاد ایجاد خطای محاسباتی در نگاه رقباى منطقه‌ای و همسایگان ایران متأثر از اشتباهات دیپلماتیک پزشک‌های است. بسیاری از کارشناسان اذعان دارند که بخش عمده‌ای از فشارهای فعلی به کشور متأثر از سیگنال‌های ضعیف‌نمایی برخی مسئولان اجرایی به خارج بوده است. موضوعی که در ایام پس از جنگ نیز ظهور و بروز زیادی داشت و بسیاری از مواضع پزشک‌های، مورد استناد ترامپ و دیگر مقامات دولتی آمریکا برای ارائه تصویری ضعیف از ایران قرار می‌گرفت.

جمهور کشورمان با شخصی غیرهم‌تراز و عدم آداب دیپلماتیک در این دیدار مورد انتقاد قرار گرفت. پزشک‌های علاوه بر این در دیدار رئیس اتحادیه میهنی اقلیم کردستان عراق با او در تهران نیز آداب دیپلماتیک را رعایت نکرد و در جایگاهی همسطح رئیس اتحادیه میهنی اقلیم کردستان عراق نشست. جالب اینکه در همین سفر و در جریان ملاقات با فل طالبانی با رئیس مجلس شورای اسلامی، این موضوع مورد توجه قالیباف بوده و رعایت شده است.

این خطاهای دیپلماتیک پزشک‌های تقریباً از ابتدای دوران ریاست جمهوری او حاشیه‌ساز بوده است. در جریان اولین سفر خارجی پزشک‌های به عراق در شهریور سال ۱۴۰۳، سفرا و به اقلیم و دیدار با بازرانی موجب از انتقادات را برانگیخته بود. علاوه بر اینها، دیدارهای متعدد و در فضایی غیررسمی با الهام عریف رئیس جمهور جمهوری آذربایجان و عدم رعایت آداب دیپلماتیک نظیر

هفته گذشته و در حاشیه هجدهمین اجلاس سران کشورهای عضو بریکس در دهلی‌نو، مسعود پزشک‌های با خالد بن محمد بن زاید آل نهیان بعنوان ولیعهد امارات متحده عربی دیدار کرد. سایت ریاست جمهوری نیز از خالد بن زاید بعنوان ولیعهد امارات نام برد در حالیکه شخص طرف ملاقات رئیس دولت، ولیعهد ابوظبی بوده و نه ولیعهد امارات! علیرضا مجیدی، کارشناس مسائل غرب آسیا در اینباره گفته است: در امارات اصلاً منصبی به نام ولیعهد وجود ندارد. خالد بن محمد بن زاید، که با آقای پزشک‌های دیدار کرد صرفاً جانشین حکومت شهر ابوظبی و رئیس سازمان امنیت داخلی آن کشور است. من نمی‌دانم چه کسی به رئیس جمهور ما گفته بود که این شخص ولیعهد امارات است؟! علاوه بر جایگاه مقام اماراتی، دیدار رئیس

خبر کوتاه

پزشک‌های و قالیباف به مردم پاسخ دهند

حجت السلام قاسم روانبخش نماینده مردم قم در واکنش به شیطنت رسانه‌ای چند سایت خبری اصلاح طلب نوشت: جمله‌ای با مضمون «انتقادهای تیم جلیلی مستقیماً به ترامپ بهانه داد تا دور دوم مذاکرات اسلام‌آباد را متوقف کند» در متن مجله **China Newsweek** وجود ندارد و دروغ پردازی و ساخته رسانه‌های حامی دولت ناکارآمد پزشک‌های از قبیل خبرآنلاین و انتخاب است. وی افزود: در مقاله این مجله چینی به اختلافات جناح‌های داخلی در ایران برسر تفاهم‌نامه اسلام‌آباد پرداخته شده است. این نماینده مجلس تأکید کرد: مسئولیت تفاهم‌نامه به عهده آقایان دکتر پزشک‌های و دکتر قالیباف است و فرافکنی در این خصوص از سوی رسانه‌های حامی جریان وفاق چیزی از مسئولیت آن‌ها کم نمی‌کند. آنها موظفند درباره نتایج و پیامدهای این تفاهم‌نامه به مردم و رهبری عزیز گزارش کنند رسانه‌های حامی جریان وفاق نمی‌توانند با این خبرهای جعلی اذهان مردم را از ناکامی‌های حاصله فرافکنی کنند!

نبویان: رزمایش جانفدایان، برهم زننده محاسبات دشمن بود

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در حساب‌کاری خود نوشت: دولت تروریست آمریکا پس از شکست نظامی در برابر ملت ایران، راهبرد محاصره و تحریم اقتصادی را در پیش گرفته تا شاهد شورش‌های مردمی در ایران باشد، اما: اولاً؛ با تسلط انصارالله صادرات انرژی از تنگه هرمز، باب‌المندب، دریای سرخ و کانال سوئز بشدت مختل شده و دشمن تحت فشار اقتصادی و اعتراضات مردمی قرار گرفته است. ثانیاً؛ حضور جان‌فدایان ایران اسلامی در همایش روز جمعه، نشان داد محاسبات دشمن از ملت ایران کاملاً اشتباه است. نبویان تأکید کرد: ملت مبعوث شده ایران به تعبیر رهبر شهید، در حال انجام رسالت از جانب خدای متعال هستند. بله، ملت ایران برای دفاع از خاک کشور در خیابان‌ها حضور دارند، نه برای وطن‌فروشی و کمک به دشمن. حقیقتاً باید به وجود چنین مردمی افتخار کرد.

جلیلی: انسجام اجتماعی از نظر غربگرایان، "ترس" از آمریکاست

قائم‌مقام رئیس سازمان صداوسیما در امور فرهنگی درباره انسجام اجتماعی گفت: می‌گویند انسجام اجتماعی را برهم نزنید! انسجام اجتماعی از نظر شما یعنی چه؟ انسجام اجتماعی از نظر غربگراها به این معناست که همه باهم، دست در دست هم، متحد، همگی از آمریکا بترسیم! اصلاً مبنای وحدت این است که ما جمع بشویم که قدرتمند بشویم که زور نشنویم؛ اما برخی می‌گویند نه! این وحدت را از بین می‌برد!

علیه عوامل برگزاری "دو مارتان تهران" اعلام جرم شد

در پی برگزاری مسابقه دو مارتان در بوستان ولایت که در این رقابت موازین قانونی و شرعی رعایت نشده بود، دادستانی تهران به موضوع ورود کرد و اقدامات قانونی لازم را در دستور کار قرار داد. با ورود دادستانی تهران، علیه عوامل و دست‌اندرکاران برگزاری این رقابت اعلام جرم و پرونده قضایی تشکیل شد.

جانفدا

موج‌های بعدی رزمایش جان‌فدا در سراسر کشور برگزار می‌شود

سازمان بسیج مستضعفین حضور حماسی و دشمن‌شکن مردم در «رزمایش جانفدایان ایران» را ضربه سنگین ملت مبعوث بر پیکره عملیات روانی دشمن دانست و اعلام کرد: موج‌های بعدی این رزمایش عظیم و مردمی به‌زودی در سایر استان‌ها و شهرهای کشور این رزمایش برگزار خواهد شد.

در بیانیه این سازمان آمده است: روز گذشته، پایتخت جمهوری اسلامی ایران شاهد صحنه‌ای بی‌بدیل و کم‌نظیر از عشق، ایمان و وفاداری به آرمان‌های انقلاب اسلامی بود. حضور پرشور، خودجوش و چندصد هزار نفری مردم مؤمن، انقلابی و ولایت‌مدار تهران بزرگ در «رزمایش جانفدایان ایران»، بار دیگر ثابت کرد که این ملت متحد، همچون روزهای نخستین انقلاب، در صحنه دفاع از کیان اسلام، انقلاب و میهن اسلامی حاضر است و هیچ قدرتی توان مقابله با اراده پولادین او را ندارد. این اجتماع عظیم که در ادامه حضور حماسی روزهای گذشته مردم شریف استان تهران در شهرستان‌های مختلف برگزار شد، تجلی حقیقی «وحدت کلمه» و «ایستادگی



تا پای جان برای ایران» بود.

سازمان بسیج مستضعفین با افتخار اعلام می‌دارد که «رزمایش جانفدایان ایران» محدود به استان تهران نخواهد ماند؛ موج‌های بعدی این رزمایش عظیم و مردمی، در ۳۰ شهریور در استان مازندران و در ۳۱ شهریور در استان‌های آذربایجان شرقی، سمنان و قم و همچنین به‌زودی در سایر استان‌ها و شهرهای کشور این رزمایش برگزار خواهد شد.

خلجی: پاسخ مخاصمه و محاصره، مذاکره و مفاهمه نیست



رئیس شورای اطلاع رسانی دولت سیزدهم با تأکید بر ضرورت ایستادگی در برابر فشارهای آمریکا گفت: «پاسخ مخاصمه و محاصره، مذاکره و مفاهمه

نیست» و باید با اقتدار ایستاد و از پیروزی‌های به دست آمده در نقاط مختلف برای اخراج آمریکا از منطقه استفاده کرد. سپهر خلجی با تأکید بر ضرورت انسجام در مواضع طرف ایرانی گفت: آنچه مهم است این است که ما باید در مواضع طرف ایرانی یک انسجام ایجاد کنیم و حتی در بیان جملات و مطالبی که قرار است به عنوان جمهوری اسلامی منعکس شود، باید دقت بیشتری شود. خلجی افزود: ما نباید در شرایطی که در اوج پیروزی در برابر آمریکا هستیم، به طرف مقابل پالس مذاکره یا سیگنال ضعف نمایی منتقل کنیم؛ این

مضر است. وی ادامه داد: آنها با همین شیوه در شاید پنج، شش ماه گذشته توانسته‌اند قیمت نفت را کنترل کنند و نگذارند از یک حدی بالاتر بیاید. وی افزود: لذا الان به نظر می‌رسد باید پیام اقتدار داد و جواب مخاصمه و محاصره هم به نظرم مذاکره و مفاهمه نیست؛ باید با اقتدار ایستاد و از پیروزی‌هایی که در نقاط مختلف به دست می‌آوریم، پل بزنیم برای اینکه بتوانیم آن‌ها را از منطقه اخراج کنیم.

این کارشناس مسائل سیاسی در پایان اظهار داشت: در هر حال، به نظرم می‌رسد که ما باید یک بازنگری در مسیر دیپلماسی در برابر آمریکا داشته باشیم.

چند روز پس از مطالبه یوسف پزشکیان از مردم مبعوث برای سفر نرفتن، وزیر علوم با تعداد قابل توجهی از همراهان برای شرکت در یک همایش غیرضروری در عربستان بسر می‌برد

سیمایی صراف در ریاض چه می‌کند؟

سفر وزیر علوم به عربستان حاشیه‌ساز شده است. گذشته از ترکیب هیأت اعزامی و تعداد افراد همراه وزیر در این سفر که بار مالی قابل توجهی برای دولت در شرایط ویژه و تحریمی امروز کشور به دنبال داشته است، شیطنت‌های سعودی‌ها در جریان این دیدار و ملاقات‌های دیپلماتیک نیز مورد انتقاد قرار گرفته. اصرار بر تداوم سفر با وجود پایان همایش اخلاق در هوش مصنوعی و اقامت در یکی از هتل‌های ریاض که گفته می‌شود جز هتل‌های گران است، از موضوعاتی است که می‌بایست وزارت علوم در خصوص آن پاسخگو باشد.

امیرحسین درکی
روزنامه‌نگار

نوآوری و امور بین‌الملل
وزارت ارتباطات و فناوری
اطلاعات حضور دارند.

اما اگرهای یک سفر

با توجه به مناسبات فعلی ایران و عربستان و جنگ این کشور با انصارالهیمن، حضور ایران در رویدادی در ریاض آنهم در حد

وزیر سوال برانگیز بود. مسعود پزشکیان اخیراً و در جریان اجلاس بریکس گفته بود حوثی‌ها مسائل خودشان را دارند! اتفاقاً همین موضوع در جریان یکی از دیدارهای سیمایی صراف در عربستان دستمایه شیطنت سعودی‌ها قرار گرفت. در این راستا و همزمان با حضور وزیر علوم جمهوری اسلامی ایران در عربستان، در اتاق دیدار با طرف سعودی خبر بمباران مواضع انصارالهیمن در تلویزیون محل ملاقات پخش شد. اقدامی کاملاً حساب‌شده که متأسفانه واکنش درخوری از سوی وزیر علوم در پی نداشت. علاوه بر اینها تداوم حضور سیمایی صراف و هیأت همراه با وجود اتمام مجمع یونسکو سوال برانگیز شد. گفته می‌شود این افراد برای انجام سفر عمره در عربستان باقی ماندند. دو سال پیش و در پی تصمیم هیأت دولت پزشکیان، پرداخت حق ماموریت‌های خارجی که در دوره شهید رئیسی، رایالی شده بود، مجدداً دلاری شد. از این رو و با توجه به شرایط ویژه اقتصادی و همچنین تعداد قابل توجه همراهان و سیمایی صراف هزینه این سفر قابل توجه به نظر می‌رسد. ضمن اینکه اخباری مبنی بر اقامت وزیر علوم و همراهانش در هتل لاکچری ریتز کارلتون ریاض منتشر شده است. این اقدام یکی از وزرای دولت چهاردهم در کنار سفرهای پرتعداد اعضای



خانواده رئیس دولت مانند پسر، دختر و داماد پزشکیان سوال‌های بی‌جوابی را در ذهن مردم ایجاد کرده است. موضوعی که در شرایط ویژه اقتصادی امروز کشور، اثرات منفی‌ای بر اعتماد و سرمایه اجتماعی کشور خواهد داشت.

این ولخرجی‌ها در دولت در شرایطی صورت می‌گیرد که یوسف پزشکیان اخیراً با ادبیات زنده‌ای خطاب به مردم مبعوث گفته بود: «شما که مدعی هستین پیش‌تاز بشین. مثل مردم یمین زندگی کنین. یارانه نگیرین، از برق سراسری استفاده نکنین، هزینه‌های زندگی‌تان را نصف کنین، سفر نکنین، جز به ضرورت از هیچ خودرویی استفاده نکنین. اگر همین مردم جانفدا بتوانند هزینه زندگی خود را نصف کنند دولت هم زبانش در مقابل دشمنان دراز می‌شود. نمی‌شود از وضعیت معیشت و اقتصاد زندگی ناله و شکایت کرد و از طرف دیگر گفت که بنزید به دهان فلانی و فلانی!»

علاوه بر موضوعات مالی و اقتصادی، سفر خارجی به یک همایش نه چندان مهم آنهم در آستانه بازگشایی دانشگاه‌ها و در شرایطی که نگرانی‌هایی از بازگشت آشوبگران به برخی مراکز آموزشی و تکرار حوادث سال گذشته وجود دارد، نشانه‌های واضحی از بی‌تدبیری شناخته می‌شود.

خبر کوتاه

احتمال برگزاری همزمان انتخابات ریاست جمهوری و مجلس

سخنگوی وزارت کشور درباره سرانجام انتخابات شوراها توضیح داد: علت اصلی به تعویق افتادن انتخابات ۱۱ اردیبهشت، عدم وجود امکانات اجرایی نبود بلکه این تصمیم براساس ماده ۱۲۶ قانون انتخابات و مصوبه شورای عالی امنیت ملی، جهت حفظ انسجام، همبستگی ملی و پرهیز از ایجاد چندقطبی سیاسی در شرایط پرشدت جنگی اتخاذ شد.

زینی‌وند بیان کرد: تمامی فرایندهای اجرایی و فنی از جمله چاپ تعرفه‌ها و توزیع صندوق‌های رای در فرمانداری‌ها پیش‌تر انجام شده و کشور کاملاً آماده برگزاری بود.

وی افزود: هم‌اکنون با توجه به ایجاد ثبات نسبی، ریزنی‌ها و نشست‌های مشترک ستاد انتخابات با مجلس شورای اسلامی، هیئت‌های نظارت، دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی و دولت در جریان است تا پس از جمع‌بندی نهایی، سازوکار و زمان برگزاری انتخابات تعیین و دغدغه‌های حقوقی موجود برطرف شود.

سخنگوی وزارت کشور در پاسخ به سوالی ادامه داد: در پی برگزاری زودهنگام انتخابات ریاست جمهوری، فاصله میان انتخابات مجلس و ریاست جمهوری در سال ۱۴۰۶ به دو تا سه ماه کاهش یافته بود که این مسئله لزوم بازنگری در تقویم انتخاباتی و تصمیم انتخابات‌ها را به همراه داشت. وی افزود: در همین راستا، کارگروهی مشترک با حضور نمایندگان وزارت کشور، مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌ها، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و کارشناسان تشکیل شد. زینی‌وند اظهار کرد: بررسی‌های تخصصی این کارگروه نشان می‌دهد بدون نیاز به تغییر قانون اساسی و با رعایت اصول قانونی، زمینه جمع و اصلاح زمان‌بندی برگزاری انتخابات‌ها در کشور فراهم شده است.

اجرای حکم اعدام یک خائن به کشور

حسین پدران، فرزند حمیدرضا، که اطلاعات سایت‌های نظامی حساس کشور در استان اصفهان را در اختیار مصاد قرار داده بود، به جرم جاسوسی و همکاری اطلاعاتی به نفع رژیم صهیونیستی بازداشت و محاکمه شد و پس از طی فرآیند قانونی و تأیید و ابرام حکم در دیوان عالی کشور، به سزای اعمالش رسید و به دار مجازات آویخته شد. در جریان جنگ‌های تحمیلی ۱۲ روزه و رمضان، دشمن صهیونی-آمریکایی برخی از سایت‌های نظامی حساس کشور را هدف قرار داد که مشخص شد برخی از این اهداف با همکاری عده معدودی از مزدوران و خائنان به کشور مورد اصابت قرار گرفته‌اند.

حسین پدران از جمله خائنان به کشور بود که تلاش کرده بود با ارسال اطلاعات حساس و طبقه‌بندی‌شده به سرویس‌های جاسوسی آمریکا و اسرائیل، در راستای اهداف دشمن عمل کرده و در این مسیر بنا به اعتراف خودش به منفعت مالی دست پیدا کند. با توجه به تجهیزات کشف‌شده از حسین پدران و اعترافات وی، کیفرخواست پرونده به اتهام جاسوسی و همکاری اطلاعاتی به نفع رژیم صهیونیستی، شروع به همکاری اطلاعاتی با دولت متخاصم آمریکا از طریق ارائه درخواست همکاری و اعلام تمایل به سرویس جاسوسی دولت آمریکا و چند عنوان اتهامی دیگر صادر می‌شود. پرونده حسین پدران با رعایت موازین قانونی و با حضور وکیل وی مورد رسیدگی قرار گرفت. پس از رسیدگی مفصل و اعلام نظریه‌ی حقوقی قانونی مبنی بر اینکه متهم دچار اختلالی که موجب فقدان قوه تمیز و اراده‌ی خود، نبوده است، دادگاه به پرونده رسیدگی و اتخاذ تصمیم کرد.

در رأی صادره آمده است: «آسیب‌های وارده از سوی متهم به کشور، ناشی از جاسوسی و ارائه اطلاعات به سرویس‌های دشمن، چنان گسترده و اسف‌بار بوده که منجر به شهادت و جان‌باختن تعدادی از رزمندگان شده است.» حسین پدران در نهایت به جرم جاسوسی و همکاری اطلاعاتی به نفع رژیم صهیونیستی به اعدام محکوم شد.

سیاست بی‌اثر بانک مرکزی؛ اوراقی که سکه را گران‌تر کرد



پس از اینکه قیمت سکه طلا به رکوردهای جدیدی رسید، بانک مرکزی برای کنترل قیمت‌ها، برای نخستین بار اوراق سلف تمام‌سکه بهار آزادی را اجرایی کرد. این بانک اوراق سلف سکه را با سررسید سه‌ماهه در ۱۸ شهریور ماه ۱۴۰۵ عرضه کرد. هر ورقه معادل یک هزارم یک سکه تمام بهار آزادی بود و قیمت انتشار هر ورقه ۲۳۵ هزار و ۷۰۰ تومان تعیین و در روز عرضه، ۴۲ هزار قطعه سکه خریداری شد. نادر بذرافشان، رئیس اتحادیه طلا و جواهر تهران، با انتقاد از قیمت‌گذاری اوراق سکه گفت: این اوراق به دلیل فاصله کم با نرخ بازار، نتوانست قیمت‌ها را کاهش دهد و حتی در مقطعی موجب رشد ۳ تا ۴ میلیون تومانی سکه شد. او اظهار کرد: قیمت‌گذاری اوراق به‌گونه‌ای نبود که بتواند تأثیر کاهشی قابل توجهی بر بازار داشته باشد و قیمت

اعلام‌شده تنها حدود یک تا یک‌ونیم میلیون تومان پایین‌تر از قیمت بازار داخلی بود. بذرافشان افزود: اگر بانک مرکزی قیمت اوراق را چند میلیون تومان پایین‌تر از نرخ بازار تعیین می‌کرد، این ابزار می‌توانست نقش مؤثرتری در کاهش قیمت‌ها داشته باشد؛ اما قیمت تعیین‌شده باعث نشد کاهش قابل توجهی در بازار رخ دهد و حتی در مقطعی، بازار تحت تأثیر این سیاست با افزایش حدود ۳ تا ۴ میلیون تومانی قیمت سکه مواجه شد.

رئیس اتحادیه طلا و جواهر تهران با بیان اینکه حدود ۷۰ درصد اوراق عرضه‌شده مورد استقبال خریداران قرار گرفته است، گفت: با وجود میزان خرید انجام‌شده، قیمت بالای اوراق باعث شد این ابزار نتواند تأثیر قابل توجهی بر بازار آزاد داشته باشد. اگر بانک مرکزی به دنبال کاهش قیمت

طلا و سکه است، باید سیاست‌های ارزی خود را تقویت کرده و مدیریت و کنترل بیشتری بر نرخ ارز داشته باشد. همچنین استفاده از ابزارهایی مانند اوراق سکه باید با سیاست‌گذاری، مدیریت و درایت بیشتری انجام شود و قیمت این اوراق تفاوت معناداری با قیمت بازار نداشته باشد. وی این اقدامات را بیشتر در حکم راهکارهای موقتی دانست و تصریح کرد: برای ایجاد ثبات در بازار طلا و سکه، نمی‌توان تنها به سیاست‌های کوتاه‌مدت تکیه کرد و لازم است بانک مرکزی باید در یک دوره ۳ تا ۶ ماهه، برنامه مشخصی برای ایجاد ثبات در نرخ ارز داشته باشد. تحریم‌ها و جنگ نیز بر شرایط اقتصادی اثرگذار هستند، اما با بهبود مدیریت کلان بانک مرکزی و سیاست‌گذاری اقتصادی می‌توان بخشی از این فشارها را مدیریت کرد.

نوبنیاد از پشت‌پرده واردات خودروهای فوق‌لوکس گزارش می‌دهد؛

میباخ برای عده‌ای، دلار گران برای همه

بحث اصلی بر سر واردات خودرو نیست؛ بحث بر سر این است که منابع محدود کشور در چه مسیری به کار گرفته می‌شوند. آنچه امروز تحت عنوان واردات برای ایرانیان خارج از کشور در حال اجراست، فرستگ‌ها با هدف فاصله دارد. در عمل شاهد آن هستیم، طراحی کانالی ویژه برای ورود ماشین‌های لوکس و چندصد هزار دلاری است که به دلیل رانندگی عظیمی که به همراه دارد، موتور محرک تقاضا در بازار غیررسمی ارز شده و گرانی حاصل از آن را به طور مستقیم به سفره معیشت عموم تحمیل می‌کند.

را ایجاد می‌کنند. این اظهارات، چارچوبی برای سنجش سیاست واردات خودرو نیز فراهم می‌کند: موضوع صرفاً این نیست که خودرو با ارز رسمی وارد شده یا خیر؛ بلکه باید مشخص شود منابع ارزی موجود در اقتصاد چگونه اولویت‌بندی می‌شوند و سازوکار واردات خودرو چه نسبتی با سیاست کلی مدیریت منابع ارزی دارد؛ اما تصمیم وزارت صمت برخلاف این اظهارات است.

ورود بانک مرکزی به ماجرا

موضوع واردات خودروهای لوکس به واکنش بانک مرکزی نیز منجر شد. تسنیم در این باره نوشت: بانک مرکزی در مکاتباتی با وزارت صمت، مخالفت خود را با رویه فعلی واردات خودروهای لوکس اعلام و تأکید کرده است که در صورت ادامه این روش، کد ساتا صادر نخواهد شد. کد ساتا در فرآیند واردات نقش کلیدی دارد و توقف صدور آن می‌تواند روند نهایی واردات را متوقف کند. این واکنش نشان می‌دهد که اختلاف اصلی اکنون بر سر اصل واردات خودرو نیست؛ بلکه بر سر نحوه اجرای آن، منشأ ارز، آثار احتمالی بر بازار ارز و جلوگیری از شکل‌گیری رانت است.

رانت ۳۰ میلیارد تومانی

مسئله دیگری که در این فرآیند شکل گرفته، امتیاز واردات است. در حالی که هدف قانون، تسهیل واردات برای ایرانیان مقیم خارج از کشور بود، گزارش‌ها از شکل‌گیری بازار خریدوفروش در این موضوع حکایت دارد. بر اساس آگهی‌هایی که در پلتفرم‌های آنلاین منتشر شده، سهمیه واردات خودروی ایرانیان مقیم خارج بین ۲ تا ۸ میلیارد تومان به فروش گذاشته شده است. همچنین کارت اقامت برخی کشورها با ارقامی در محدوده یک تا ۱.۵ میلیارد تومان عرضه شده است. با این حال، سودهای ۲۰ تا ۳۰ میلیارد تومانی برای خودروهایی مانند لکسوس ال ایکس ۷۰۰ هیبرید، بی‌ام‌و ۷۳۵ و مرسدس بنز اس ۵۰۰ و اس ۵۰۰ مطرح است. برای نمونه، درباره لکسوس ال ایکس ۷۰۰ هیبرید، هزینه تمام‌شده واردات حدود ۶۰ میلیارد تومان و امکان فروش در ایران حدود ۹۰ میلیارد تومان است؛ البته هزینه حمل، بیمه، حقوق ورودی، مالیات، عوارض، ترخیص، نرخ ارز و قیمت نهایی خودرو می‌تواند سود واقعی را تغییر دهد. قانون، مسیر واردات خودرو توسط ایرانیان مقیم خارج از کشور را با هدف استفاده از منابع ارزی خارج از کشور و افزایش عرضه خودرو باز کرده است. از منظر همین هدف، واردات خودروهای اقتصادی، کم‌مصرف و باکیفیت، در صورتی که با منابع واقعی ارزی خارج از کشور انجام شود، موضوعی متفاوت از ورود خودروهای چندصد هزار دلاری است. اما تبدیل یک ظرفیت به بازار خریدوفروش سهمیه و کارت اقامت، سودهای چند میلیارد تومانی و احتمال تأمین ارز از بازار غیررسمی، پرسش‌هایی ایجاد کرده که سیاست‌گذار باید به آن پاسخ بدهد.

است. تعرفه واردات خودرو توسط ایرانیان مقیم خارج نیز به صورت پلکانی تعیین شده است که برای خودروهای برقی، بردافزا و انواع هیبریدی، حقوق ورودی ۱۰۰ درصد تعیین شده و برای خودروهای بنزینی، تعرفه‌ها از ۱۱۰ درصد برای خودروهای تا ۱۵۰۰ سی‌سی تا ۱۶۵ درصد برای خودروهای بالاتر از ۳۰۰۰ سی‌سی افزایش می‌یابد.



نیما سهیلی

روزنامه‌نگار

فشار بر بازار ارز

اگر یک ایرانی مقیم خارج از کشور، خودرو را با منابع ارزی حاصل از درآمد و کسب‌وکار خود در خارج خریداری کند، در این صورت، مطابق قانون، فشاری به ذخایر ارزی کشور وارد نمی‌شود؛ اما نقطه حساس، حالتی است که ارز مورد نیاز از داخل تأمین شود. محمدحسن صبوری، کارشناس اقتصادی، درباره همین موضوع می‌گوید: «خیلی ساده‌نگارانه است که بگوییم تمام منابع ارزی واردات این خودروها در خارج از کشور وجود دارد. برخی متقاضیان، در صورت نداشتن منابع ارزی خارجی، ممکن است ارز را با قیمتی از بازار غیررسمی کشور خریداری کنند و به حسابی در خارج منتقل کنند و با آن خودرو بخرند. چنین فرآیندی می‌تواند فشار بر تقاضای ارز داخلی ایجاد کند.» این نکته از آن جهت اهمیت دارد که افزایش تقاضا در بازار غیررسمی ارز، حتی در صورتی که به ظاهر واردات بدون انتقال ارز باشد، می‌تواند بر قیمت ارز و انتظارات نوری اثر بگذارد. اگر واردکننده منابع ارزی خود را در خارج داشته باشد، اثر مستقیم آن بر بازار داخلی ارز محدود خواهد بود؛ اما اگر فرد برای تأمین ارز به بازار غیررسمی مراجعه کند، می‌تواند به تقاضای دلار تبدیل شود. در چنین شرایطی، حتی اگر بانک مرکزی برای خرید خودرو از اختصاص ندهد باشد، افزایش تقاضای بازار غیررسمی به افزایش قیمت ارز منجر خواهد شد. این اثر نیز محدود به بازار ارز باقی نمی‌ماند و با توجه به نقش نرخ ارز در اقتصاد ایران، می‌تواند آثار گسترده‌تری در اقتصاد داشته باشد.

اولویت ارزی؛ خودرو یا تولید؟

سید محمد اتابک، وزیر صنعت، معدن و تجارت، چند روز پیش گفت: «میزان ارز در سال‌های اخیر کاهش یافته است و این کاهش منابع، ضرورت اولویت‌بندی و مدیریت مصارف ارزی را بیش از گذشته نشان می‌دهد.» او افزود: «در شرایط فعلی باید ابتدا ارز مورد نیاز مواد اولیه و اقلامی که مستقیماً در فرآیند تولید به کار می‌روند تأمین شود و پس از آن، سایر نیازها بر اساس میزان اهمیت و اثرگذاری‌ها در اقتصاد کشور در اولویت قرار گیرند. تولید محور اصلی اقتصاد کشور است» و در تصمیم‌گیری‌ها باید مشخص شود کدام بخش‌ها بیشترین نیاز، ارزش افزوده و ظرفیت اشتغال

واردات خودروهای اقتصادی، کم‌مصرف و باکیفیت می‌تواند به افزایش عرضه، تنوع بازار و شکستن انحصار کمک کند. مسئله اما از جایی آغاز می‌شود که یک سیاست وارداتی، در شرایط محدودیت منابع ارزی، به مسیری برای ورود خودروهای فوق‌لوکس تبدیل شود و هم‌زمان درباره منشأ ارز، نحوه استفاده از سهمیه، خریدوفروش امتیاز واردات و آثار آن بر بازار ارز، ابهام‌هایی شکل بگیرد. ریشه قانونی این ماجرا به قانون بودجه ۱۴۰۴ بازمی‌گردد. مجلس، واردات خودرو توسط ایرانیان ساکن خارج از کشور دارای کارت اقامت ابرای هریرانی، یک دستگاه «بدون انتقال ارز و از محل ارز در اختیار» مجاز کرد. پس از آن، این نامه و دستورالعمل‌های اجرایی ابلاغ شد. در ابلاغیه شهریور ۱۴۰۴ تصریح شده است که خودروهای خریداری‌شده مشمول رویه «بدون انتقال ارز» هستند و واردات از محل استفاده از ارز شخصی خود و دیگران، با تأیید منشأ ارز، مشمول سهمیه ارزی نمی‌شود؛ بنابراین، اصل ایده، ایجاد مسیری برای استفاده از منابع ارزی ایرانیان خارج از کشور و در عین حال افزایش عرضه خودرو در بازار بود؛ اما آنچه رخ داد، بحث را از «واردات با ارز شخصی» به موضوع منشأ ارز، تقاضای ارز در بازار غیررسمی، ارزش امتیاز واردات و ورود خودروهای لوکس کشاند.

از خودروهای اقتصادی تا میباخ

تا پیش از تغییرات اخیر، در این رویه خودروهای مدل ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ امکان ثبت سفارش داشتند، اما براساس تصمیم جدید دولت، مدل‌های ۲۰۲۳ نیز به فهرست خودروهای مجاز اضافه شد. هم‌زمان، مجوز واردات خودروهایی مانند لکسوس و لندکروزر منتشر شد و در ۲۴ شهریور ۱۴۰۵، وزارت صنعت، معدن و تجارت، برندهای پورشه و مرسدس بنز میباخ را در فهرست برندهای دارای خدمات پس از فروش قرار داد. در متن ابلاغیه این وزارتخانه به گمرک آمده است که پس از بررسی امکان ارائه خدمات پس از فروش در داخل کشور، واردات و ترخیص این خودروها برای ایرانیان خارج از کشور مورد تأیید قرار گرفته است. با این حال، قیمت پایه مرسدس بنز میباخ در خارج از کشور ۱۸۰ هزار دلار

موج خبر

آغاز سال آبی جدید با طعم «ال‌نینو»؛ هشدار نسبت به وقوع سیلاب‌ها

مدیرکل دفتر اطلاعات و داده‌های آب کشور گفت: سال آبی جاری (ابتدای مهر ۱۴۰۴ تا پایان شهریور ۱۴۰۵) در حال اتمام است. در شرایط کنونی، میزان بارش کشور نسبت به آمار بلندمدت اختلافی ندارد و وضعیت نرمال است.

فیروز قاسم‌زاده افزود: وضعیت بارش در همه مناطق کشور یکسان نیست. استان‌هایی مانند تهران، البرز، همدان و قم در مقایسه با دوره بلندمدت، با کاهش بارش مواجه بوده‌اند که بیشترین کاهش مربوط به استان‌های تهران و قم است؛ به‌گونه‌ای که در این دو استان، کاهش بیش از ۳۵ درصد را تجربه کرده‌ایم.

وی اعلام کرد: در حال حاضر حدود ۴۸ درصد از ظرفیت مخازن پر است که نسبت به سال گذشته بهبود یافته؛ با این وجود، وضعیت در همه مناطق مشابه نیست. قاسم‌زاده ادامه داد:

در سدهای استان تهران، به جز یکی دوسد، وضعیت ذخایر چندان مناسب نیست. برای مثال، سد کرج حدود ۸۰ درصد و سد طالقان حدود ۵۰ درصد پر شده‌اند، اما وضعیت سایر سدها مطلوب نیست. همچنین سدهای استان خراسان رضوی و سدهایی که تأمین‌کننده آب استان همدان هستند، شرایط مناسبی ندارند و برخی استان‌های دیگر نیز با کمبود منابع مواجه‌اند.

قاسم‌زاده با اشاره به پایان سال آبی و ورود به شرایط اقلیمی جدید (ال‌نینو) گفت: با پایان این سال و ورود به شرایط اقلیمی جدید، امید داریم بارش‌ها به‌گونه‌ای باشد که بتوانیم مخازن را تغذیه و ذخیره‌سازی کنیم تا آن‌شا ۱۴۰۵ آینه را با شرایط مناسبی آغاز کنیم. وی نسبت به احتمال وقوع سیلاب هشدار داد و افزود: از سوی دیگر، نگران سیلاب‌هایی هستیم که می‌توانند خسارت بار باشند. امیدواریم اطلاع‌رسانی مطلوبی در سطح کشور صورت گیرد تا بتوانیم سال آبی پیش‌رو را که با پدیده «ال‌نینو» آغاز می‌شود، در شرایطی ایمن پشت سر بگذاریم.

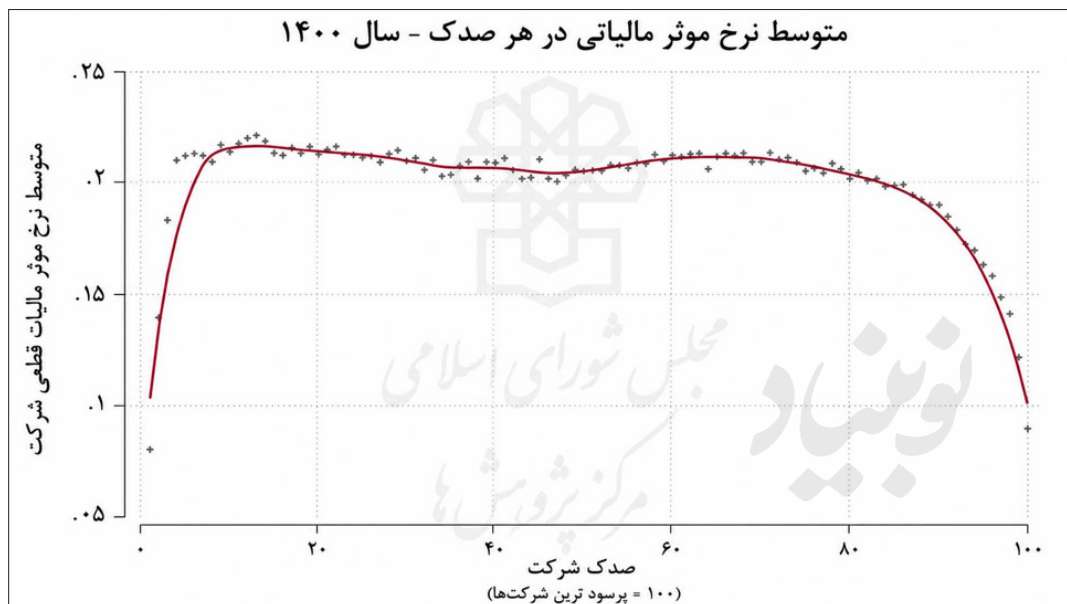
مدیرکل دفتر اطلاعات و داده‌های آب کشور تأکید کرد: همه ساکنان کشور، در هربخش صنعتی یا سکونتگاهی که هستند، باید به توصیه‌های سازمان هواشناسی و هشدارها توجه لازم را داشته باشند. قاسم‌زاده در ادامه با اشاره به روند منابع آب کشور گفت: به‌طور کلی، روند‌های منابع آب نشان می‌دهد که وضعیت نزولی است؛ یعنی میزان آب‌های در دسترس کشور به دلیل گرمایش زمین، محدودتر می‌شود. وی در پایان تأکید کرد: مدیریت مصرف باید در هر شرایطی، حتی در صورت وقوع «ال‌نینو» ی بسیار قوی که می‌تواند منجر به بارش‌های سنگین شود، حتماً در دستور کار قرار گیرد.

دولت می‌تواند، فشار اقتصادی جنگ را عادلانه توزیع کند؛

بحران را از جیب مردم تأمین نکنید

هدف دشمن آمریکایی از اعمال تحریم و عملیات‌های روانی، فلج کردن ساختارهای تولیدی و شکستن مقاومت جامعه ایرانی است، دولت باید برای خنثی‌سازی این فشار و شوک روانی آن برنامه داشته باشد. در این میان، اخذ مالیات از سودهای اتفاقی

ریال راهی برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و تأمین غیرتورمی هزینه‌های بحران است. درحالی‌که دولت برای جبران کسری بودجه نیازمند منابع است، سودهای نجومی شرکت‌های بزرگ در این دوران، ظرفیتی مغفول برای حکمرانی عادلانه است.



احمد شفیعی

پژوهشگر اقتصادی

در روزهای گذشته، وزیر خزانه داری و رئیس جمهور آمریکا آغاز بزرگ‌ترین عملیات تهاجمی اقتصادی علیه ایران را اعلام کردند. البته این اتفاق، مسئله‌ای است که کشور ما سال‌هاست با ابعاد گوناگون آن دست‌وپنج نرم می‌کند، اما در هر برهه با نسخه‌های فراگیرتر و شدیدتری مواجه می‌شویم. در چنین شرایطی که هدف اصلی دشمن از اعمال ابزارهای تحریمی و عملیات‌های روانی، فلج کردن ساختارهای تولیدی و شکستن مقاومت جامعه ایرانی است، مسئولان و تصمیم‌گیران اقتصادی موظف‌اند علاوه بر اتخاذ تدابیر آفندی در عرصه بین‌المللی، پدافند اقتصادی ایجاد کرده و فشار و شوک‌های ناشی از این وضعیت را به عادلانه‌ترین شکل ممکن میان دهک‌های مختلف جامعه توزیع کنند؛ چراکه در غیراین صورت، گروه‌های کم‌درآمد و اقشاری با درآمد ثابت که هیچ سهمی در نوسانات ارزی و جهش‌های قیمتی ندارند، سنگین‌ترین تآوان را خواهند داد.

کلید تنظیم‌گری در شرایط بحرانی

برای توزیع متوازن و عادلانه اثر شوک‌های خارجی، ابزار مالیات یکی از کلیدی‌ترین، اثرگذارترین و راهگشاترین ابزارهای حکمرانی اقتصادی است. متأسفانه نگاهی به آمارها نشان می‌دهد که نظام مالیاتی ما حتی در شرایط عادی نیز دچار نابرابری است. به عنوان نمونه، بررسی‌های مرکز پژوهش‌های مجلس در سال ۱۴۰۰ نشان داد که توزیع مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی به شدت نابرابر و غیرمتوازن بوده است. اگرچه این روند با انجام برخی اصلاحات در تغییر مبنای اخیره تا حدودی دستخوش تغییر مثبت شده، اما هنوز تا رسیدن به نقطه مطلوب و توزیع کاملاً عادلانه بار مالیاتی، فاصله معناداری وجود دارد. این نابرابری در دوران مواجهه با جنگ اقتصادی و محاصره همه‌جانبه می‌تواند تبعات مضاعفی داشته باشد. در زمان

جنگ، اساساً نمی‌توان سیاست‌های اقتصادی را مشابه زمان معمول تنظیم و اجرا کرد. شوک‌های اقتصادی حاصل از دگرگونی‌های نظامی و محدودیت‌های تجاری، اثری یکسان و یکنواخت بر همه بخش‌های تولیدی و شرکت‌ها ندارند. در چنین شرایطی، برخی صنایع و مجموعه‌های بزرگ تولیدی مستقیماً هدف قرار گرفتند یا به علت محاصره در صادرات محصول یا واردات نهاده به مشکل خوردند؛ اما در سوی دیگر، برخی شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی نه تنها آسیب جدی ندیدند، بلکه به دلیل نوع محصول، انحصار در بازار، یا رشد نرخ ارز و قیمت جهانی محصول، با جهش‌های شدید در سودآوری و درآمدهای ریالی و دلاری روبرو شده‌اند. در چنین مختصاتی، منطق حکمرانی عادلانه حکم می‌کند که دولت برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و همچنین کمک به بخش‌های خسارت دیده از بحران، مالیات‌های تنظیمی و مضاعفی بر شرکت‌ها و اشخاص پردرآمد وضع کند. نگاهی به گزارش تقسیری سه ماهه منتهی به خرداد ۱۴۰۵ بزرگ‌ترین شرکت بورسی ایران، یعنی «شرکت ملی صنایع مس»، ابعاد مهمی از این ظرفیت مغفول را روشن می‌سازد. در این گزارش اشاره شده که این شرکت رقمی در حدود ۶۰ هزار میلیارد تومان بابت مالیات، هزینه‌های انرژی و حقوق دولتی معادن به دولت بدهکار است؛ درحالی‌که سود خالص ثبت شده همین شرکت در همین بازه، به رقم خیره‌کننده حدود ۷۲.۵ هزار میلیارد تومان رسیده است. در شرایط بحرانی، منطق اقتصادی ایجاب می‌کند که دولت نه تنها در وصول بدون فوت وقت مطالبات حقوقی و قانونی خود از این غول‌های درآمدی قاطعانه عمل کند، بلکه در صورت لزوم با حذف برخی معافیت‌ها یا اخذ مالیات‌های فوق‌العاده بر سودهای اتفاقی، منابع لازم برای پوشش تبعات اجتماعی و اقتصادی بحران را بدون متوسل شدن به روش‌های تورم‌زا (مانند چاپ پول یا استقراض از بانک مرکزی) تأمین کند.

نمونه‌های تاریخی

از وضع مالیات مضاعف در دوران جنگ

مرور داده‌های تاریخی نشان می‌دهد که قدرتمندترین اقتصادهای جهان در طول بحران‌های نظامی بزرگ، بار تأمین مالی را با ابزارهای مالیاتی بی‌رحمانه بردوش صاحبان درآمد و ثروت‌های کلان منتقل کرده‌اند. دولت بریتانیا نرخ نهایی مالیات بر درآمد را در حین جنگ جهانی دوم تا ۹۷.۵ درصد بالا برد. نرخ مؤثر مالیاتی دریافت‌شده از یک درصد بالای جامعه بریتانیا به بالای ۶۰ درصد رسید. همچنین بریتانیا مالیات بر سود فوق‌العاده را به ۱۰۰ درصد رساند؛ به این معنی که هیچ شرکتی اجازه نداشت از شرایط فوق‌العاده جنگی، درآمد و سودی بیش از میانگین سال‌های صلح اندوخته کند. اتحادیه اروپا با آغاز جنگ اوکراین و افزایش قیمت گاز و سایر حامل‌های انرژی، مالیات بر سود نامتعارف بر شرکت‌های فعال در این حوزه وضع کرد و حدود ۲۷ میلیارد یورو درآمد در دو سال کسب شد. در حال حاضر نیز چند کشور اروپایی در اثر افزایش قیمت نفت و گاز، پیشنهاد اخذ مجدد این مالیات را مطرح کرده‌اند.

مالیات بر عایدی سرمایه؛

همچنان در طاقچه

یکی دیگر از ابزارهایی که برای مدیریت شرایط بحرانی بسیار کمک‌کننده است، مالیات بر عایدی سرمایه است. در شرایطی که شوک‌های خارجی باعث افزایش تقاضا در بازارهای نامولد نظیر طلا، ارز، خودرو و مسکن می‌شود، هجوم سرمایه‌ها به این بازارها، موج‌های تورمی مخربی ایجاد می‌کند که ترکش‌های آن مستقیماً به سفره مردم عادی برخورد می‌کند. تأخیر در اجرای این پایه مالیاتی، حیاط خلوتی امن برای فعالیت‌های دلالت‌ه و سفته‌بازی ایجاد کرده است. در میانه یک جنگ اقتصادی، کنترل بازارهای نامولد از اوجب واجبات حکمرانی است. مالیات بر عایدی سرمایه علاوه بر اینکه منبع درآمدی پایدار برای دولت ایجاد می‌کند، یک زیرساخت داده‌ای شفاف و دقیق فراهم می‌سازد تا اسودجویان و محرکان اصلی نوسانات بازار شناسایی

اقتصاد جنگی، اقتدار بیش‌تر می‌طلبد

اگر دولت‌ها در زمان بحران به جای اخذ مالیات از ثروتمندان و اصلاح ساختارهای درآمدی، به سمت روش‌های آسانی چون چاپ پول، انباشت کسری بودجه، افزایش نرخ مالیات‌های عمومی یا شوک‌درمانی‌هایی از جنس افزایش نرخ بنزین یا نان بروند، چرخه معیوبی ایجاد می‌شود که باعث سقوط قدرت خرید طبقات کم‌درآمد، تعمیق شکاف طبقاتی و تضعیف سرمایه اجتماعی می‌شود. در روزهای پیش‌رو که تمرکز دشمن بر جنگ اقتصادی است، تقسیم

عادلانه هزینه‌های جنگ، شرط اصلی حفظ توازن اجتماعی، ارتقای تاب‌آوری ملی و خنثی‌سازی نقشه‌های دشمن است. مسئولین باید به صورت عملی اثبات کنند که در روزهای سخت، بار اصلی بحران بر دوش صاحبان درآمدها و ثروت‌های کلان است، نه مردمی که در خط مقدم صوری و مقاومت ایستاده‌اند.

تالار شیشه‌ای

عقب‌نشینی بورس از قله؛ آیا روند نزولی آغاز شد؟

بازار سهام در نخستین روز معاملاتی هفته، (شنبه ۲۸ شهریور ۱۴۰۵) فضایی پرنوسان را تجربه کرد. بازار که هفته‌های گذشته را با ثبات رکوردهای جدید سپری کرده بود، دیروز با فشار فروش‌دهنده‌ها و عقب‌نشینی شاخص‌ها مواجه شد. معاملات اگرچه در دقایق ابتدایی با برتری خریداران همراه بود و شاخص کل بورس رشد ۶۱ هزار واحد را به خود دید، اما به مرور با افزایش عرضه‌ها، روند تغییر کرد و در نهایت شاخص کل با افت ۱.۴۴ درصدی به کار خود پایان داد. شاخص کل بورس هفته گذشته با رشد ۶.۱۱ درصدی و ورود ۱۹.۴ هزار میلیارد تومان پول حقیقی، روزهای درخشانی را پشت سر گذاشته بود. شاخص کل در آن هفته تا مرز ۷.۵۶ میلیون واحد پیشروی کرد. با این حال معاملات دیروز در شرایطی آغاز شد که برتری تقاضا بر عرضه در دقایق نخست مشهود بود، اما با افزایش فشار فروش، این روند تغییر کرد. در پایان، برتری ۱۶.۵ به ۹.۴ همتی عرضه نسبت به تقاضا باعث شد تا تعداد صف‌های فروش به ۵۰۰ صف برسد، در حالی که تنها ۱۳۵ صف خرید باقی ماند. همچنین، ۶۴۲ نماد در محدوده منفی و تنها ۲۱۲ نماد در محدوده مثبت قرار گرفتند که نشان‌دهنده فشار فروش در بازار است.

شاخص کل بورس با افت ۱۰۸ هزار و ۸۸۹ واحدی (۱.۴۴ درصد) در ارتقاء هفت میلیون و ۴۴۸ هزار و ۸۴۳ واحد ایستاد. شاخص هم‌وزن نیز با کاهش ۲۹ هزار و ۴۱۰ واحدی (۱.۴۶ درصد) در محدوده یک میلیون و ۹۸۶ هزار و ۷۷۰ واحد قرار گرفت و شاخص کل فرابورس ایران با افت ۶۲۶ واحد (۱.۱ درصد) به محدوده ۵۷ هزار و ۵۶۷ واحد عقب‌نشینی کرد. ارزش معاملات خرد سهام و صندوق‌های سهامی به ۴۶ هزار و ۴۲۷ میلیارد تومان رسید. همچنین، خالص خروج پول حقیقی از بازار به عدد منفی ۶ هزار و ۱۳۲ میلیارد تومان رسید که تأییدی بر عقب‌نشینی معامله‌گران خرد است.

جواد فلاحیان، کارشناس بازار سرمایه، معتقد است افت دیروز بیش از آنکه نشانه‌ای از ریزش باشد، بازتابی از ذات بازارهای مالی پس از دوره‌های رشد پرشتاب است. فلاحیان گفت: بازار پس از رشد از محدوده ۴ میلیون واحد به بیش از ۷.۶ میلیون واحد، برای تداوم مسیر صعودی نیاز به استراحت و اصلاح زمانی یا قیمتی دارد. این اصلاح در ذات بازار است و پس از یک رشد قابل توجه، خروج بخشی از سرمایه یا شناسایی سود توسط معامله‌گران امری طبیعی محسوب می‌شود. این کارشناس با تأکید بر اینکه نشانه‌ای از ریزش سنگین و سقوط بازار دیده نمی‌شود، افزود: حجم و ارزش معاملات امروز نشان می‌دهد که جابه‌جایی نقدینگی همچنان با اطمینان نسبی انجام می‌شود. بنابراین، افت امروز را نباید به معنای آغاز یک روند نزولی شدید تلقی کرد. فلاحیان در پایان با اشاره به تأثیر دامنه نوسان ۳ درصدی در تشدید رفتارهای هیجانی (صف‌های خرید و فروش)، خاطر نشان کرد: انتظارات تورمی و نرخ دلار همچنان متغیرهای کلیدی بازار هستند و اگر خبر سیاسی غیرمنتظره‌ای رخ ندهد، انتظار می‌رود بازار پس از پشت سر گذاشتن این مرحله استراحت، مجدداً به مسیر اصلی خود بازگردد. برای ارزیابی دقیق‌تر، باید به جای تمرکز بر رنگ قرمز شاخص در یک روز، جریان نقدینگی و متغیرهای کلان اقتصادی در روزهای آینده را دنبال کرد.

کارشناسان، اصلاح را بخشی از فرآیند طبیعی رشد بازار می‌دانند اما آنچه در روزهای آینده تعیین‌کننده مسیر بورس خواهد بود، نه صرفاً رنگ شاخص‌ها بلکه تداوم ارزش معاملات و رفتار نقدینگی (ورود و خروج پول) است. توصیه کارشناسان در این میان روشن است، یعنی پرهیز از هیجان زدگی و نگاه به متغیرهای بنیادی، قطب‌نمای اصلی معامله‌گران در روزهای پیش رو باشد.

بین الملل

تلگراف: ایران می‌تواند آمریکا را از منطقه بیرون کند



تلگراف گزارش داد که ایران در حال اثبات قدرت خود برای بیرون راندن آمریکا از خاورمیانه است. در ادامه این گزارش آمده است: پایگاه های آمریکا که قرار بود به عنوان عامل بازدارنده در برابر حملات عمل کنند اینک خود تبدیل به اهداف حملات شده است. تلگراف تاکید کرد: همین مسئله باعث شده هم پیمانان آمریکا در منطقه خلیج فارس درباره میزان اتکای خود به واشنگتن برای تأمین امنیتشان تجدیدنظر کنند. است جنگ ایران برخلاف ادعای مقامات آمریکا طبق برنامه پیش نرفته است زیرا تنگه هرمز همچنان با محدودیت روبه رو است و زیرساخت های انرژی عربستان نیز آسیب دیده اند. براساس این گزارش، راهبرد ۳۰ ساله آمریکا برای استقرار گسترده نیرو در پایگاه های نظامی در خلیج فارس، در جریان جنگ به نقطه آسیب پذیری تبدیل شده است. حملات ایران به پایگاه های آمریکا در منطقه به صدها ساختمان و تأسیسات آسیب زده یا آنها منهدم کرده و ذخایر موشک های رهگیر آمریکا را مصرف کرده است.

شکاف در ائتلاف سعودی و تلاش ریاض برای پایان جنگ

تصمیم علی‌الاصول یمن

حملات سخت و غیرقابل پیشبینی روزهای اخیر یمن، معادله جنگ را برای عربستان وارد مرحله‌ای تازه کرده است. مرحله‌ای که در آن ریاض، همزمان با افزایش حملات انصارالله به عمق خاک نیروهای نیابتی خود و نخستین فعال شدن هشدار هوایی در پایتخت، مسیرهای دیپلماتیک را برای متوقف کردن جنگ فعال کرده است. گفت‌وگوی المیادین با عضو دفتر سیاسی انصارالله یمن از درخواست عربستان از ایران حکایت دارد. آن هم در شرایطی که صنعا پس از سال‌ها تجربه آتش‌بس‌های شکننده، حاضر نیست بدون دریافت تضمین‌های ملموس، میدان جنگ را ترک کند.

در همین خصوص عبداللہ نعمی عضو دفتر سیاسی انصارالله یمن در گفت‌وگو با المیادین ضمن تأیید تلاش عربستان از کانال ایران برای توافق آتش‌بس گفت: ملت یمن بدون لغو محاصره توسط عربستان با آتش‌بس موافقت نمی‌کند. تجربه سال‌های گذشته برای صنعا روشن کرده که آتش‌بس بدون تغییر واقعی در وضعیت محاصره، می‌تواند تنها به فرصتی برای بازسازی طرف مقابل و بازگشت دوباره حملات تبدیل شود. رفع محدودیت‌های بندری و هوایی، پایان محاصره مناطق تحت کنترل صنعا، تضمین دسترسی به سوخت و کالا و توقف حملات، از جمله مطالباتی است که در تحلیل‌های اخیر درباره اهداف انصارالله برجسته شده است.

یمن قرار نیست همان مسیری را برود که برخی در ایران از تقاضا نامه اسلام‌آباد میان ایران و آمریکا به عنوان یک دستاورد یاد می‌کنند. تجربه ماه‌های اخیر برای صنعا یک درس روشن داشت که آتش‌بس فاقد تضمین و دستاورد ملموس، می‌تواند به طرف مقابل فرصت بازسازی، تجدید قوا و تغییر آرایش بدهد و آمریکا نیز نشان داد که هرگاه موازنه را مناسب ببیند، به راحتی از چنین تقاهمی عبور کرده و دوباره به میدان جنگ بازمی‌گردد.

از همین رو، صنعا به جای دل خوش کردن به امضای یک توافق روی کاغذ یا دستاورد سازی سیاسی از آتش‌بس، به دنبال نتیجه‌ای است که در میدان قابل اندازه‌گیری باشد. یعنی رفع واقعی و کامل محاصره و توقف تضمین شده تجاوز. بنابراین یمنی‌ها تا زمانی که هزینه جنگ برای طرف مقابل به یک امتیاز واقعی و برگشت‌ناپذیر تبدیل نشود، دلبلی برای زمین گذاشتن سلاح نمی‌بینند.

حملات هوایی سعودی در یمن بنا بر آمار منتشر شده در منابع نزدیک به این جبهه، روندی کاهشی داشته؛ از ۵۸ حمله در ۱۳ سپتامبر به ۲۶ حمله در ۱۸ سپتامبر رسیده است. این آمار خود گویای دست برتر انصارالله از هدف قرار دادن جنگنده عربستان تا حملات بی‌امان به این کشور است.

در چنین شرایطی، حتی شکاف در میان شرکای ادعایی ریاض نیز آشکارتر شده است. یک مقام سعودی در گفت‌وگو با شبکه‌ی ۱۲ رژیم صهیونیستی با انتقاد از پاکستان و ترکیه گفته بود که از این دو کشور چیزی جز اظهارات حمایتی دریافت نشده و همکاری عملی قابل توجهی صورت نگرفته است. او حتی مدعی شده است که آنها بیشتر به فروش سلاح علاقه‌مندند.

لذا عربستان برای کاهش و جلوگیری از حملات انصارالله رسیدن به آتش‌بس، از مسیرهای منطقه‌ای و از جمله ایران کمک خواسته است. رویترز نیز گزارش داده که پس از درخواست ریاض از پکن، چین به صورت خصوصی از ایران خواسته است از نفوذ خود برای محدود کردن عملیات انصارالله استفاده کند.

همزمان گزارش دیگری از پیشنهاد آتش‌بس دو هفته‌ای عربستان و آغاز مذاکرات مستقیم با انصارالله منتشر شده است. پیشنهادی که بنا بر گزارش «الاکبار» از مسیر عمان منتقل شده و قرار است ابتدا مطالبات انصارالله سپس توافقی جامع بررسی شود.

اما مسئله اصلی دقیقاً همین جاست که یمن دیگر حاضر نیست صرفاً با وعده آتش‌بس، جنگ را متوقف کند.



احسان میرباقری

روزنامه‌نگار

آنچه اکنون در جبهه یمن در حال وقوع است، صرفاً افزایش شمار حملات موشکی و پهبادی نیست. نشانه‌هایی از تغییر محاسبات ریاض در برابر انصارالله دیده می‌شود. عربستان که در سال‌های گذشته تلاش کرده بود مسئله یمن را با اتکا به برتری هوایی و حمایت خارجی مدیریت کند، اکنون با معادله‌ای مواجه است که در آن حملات از جبهه یمن به عمق خاک این کشور کشیده شده و حتی پایتخت را نیز دربر گرفته است. در همین چارچوب، حملات شب گذشته یمن به ریاض و چند منطقه دیگر عربستان اهمیت ویژه‌ای دارد. عربستان جمعه‌شب و بامداد شنبه هشدارهای هوایی را در چند منطقه صادر کرد و برای نخستین بار پس از تشدید دور جدید درگیری‌ها، هشدار هوایی در ریاض نیز فعال شد و صدای انفجار در ریاض به گوش رسید. این حملات در شرایطی رخ داده که طی روزهای اخیر دامنه عملیات انصارالله از مناطق مرزی فراتر رفته و حملات به شهرها، تأسیسات انرژی و زیرساخت‌های سعودی افزایش یافته است. همزمان،

تجربه اسلام‌آباد پیش چشم صنعا

یمن قرار نیست تجربه‌ای را تکرار کند که در ماجرای تفاهم‌نامه اسلام‌آباد میان ایران و آمریکا، برخی در داخل آن را دستاوردی قابل اتکا می‌دانستند. آنچه برای صنعا اهمیت دارد، تجربه عملی این توافق است. اینکه آتش‌بسی که پشتوانه اجرایی و دستاورد عینی نداشته باشد، می‌تواند بیش از آنکه به پایان درگیری کمک کند، فرصتی برای طرف مقابل جهت تجدید قوا، بازسازی توان نظامی و آماده‌شدن برای دور بعدی جنگ فراهم کند.

یادداشت

گرنلند؛ سند تسلیم اروپا

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

ترامپ باز هم نشان داد برای تحقق اهداف ژئوپلیتیک آمریکا لازم نیست حتماً پرچم این کشور بر فراز یک سرزمین برافراشته شود؛ گاهی کافی است کلید امنیت، پایگاه و سرمایه‌گذاری راهبردی آن سرزمین را در دست بگیرید. او ۱۸ سپتامبر اعلام کرد آمریکا با دانمارک و گرنلند به توافقی رسیده که به واشنگتن «کنترل دائمی بر امنیت و تمامی نیازهای دیگر» گرنلند می‌دهد. ترامپ مدعی شده این توافق «عمر نامحدود» دارد، برای آمریکا هزینه‌ای نخواهد داشت و واشنگتن برای همیشه توانایی انجام اقدامات ضروری در گرنلند را حفظ خواهد کرد.

طبق روایت ترامپ، از این پس هیچ رقیب یا دشمنی نمی‌تواند بدون تأیید کتبی آمریکا در گرنلند پایگاه ایجاد کند، حضور نظامی داشته باشد یا سرمایه‌گذاری حساس انجام دهد. آمریکا نیز قرار است در توسعه تأسیسات با مردم گرنلند همکاری کند.

اگر تعبیر ترامپ از «کنترل دائمی» واقعاً به معنای واگذاری اختیار گسترده و بلندمدت امنیتی باشد، حتی بدون انتقال رسمی حاکمیت، یک پرسش بزرگ پیش روی دانمارک و اروپا قرار می‌گیرد که آیا ممکن است کشوری همچنان از نظر حقوقی صاحب سرزمین باشد، اما در مهم‌ترین مؤلفه‌های امنیت راهبردی آن، اختیار عملش به قدرتی بیرونی گره بخورد؟ اگر مفاد اعلام شده عملیاتی شود، وزن ژئوپلیتیک آمریکا در گرنلند به شکل محسوسی افزایش خواهد یافت.

و این همان نقطه‌ای است که تصویر اروپا بیش از هر چیز دیگری قابل تأمل می‌شود. اروپا سال‌ها از «استقلال راهبردی» سخن گفته، اما در پرونده‌ای که مستقیماً به قلمرو یکی از اعضای خود و امنیت قطب شمال مربوط است، واشنگتن در حال تثبیت جای پای نظامی خود است؛ آن هم در منطقه‌ای که ناو رسماً اهمیت فزاینده آن را برای امنیت جمعی خود اعلام کرده است. برای هزارمین بار، واقعیت سخت قدرت در برابر شعارهای پایتخت‌های قاره سبز ایستاده است که اروپا اگرچه در قطب شمال حضور نظامی خود را افزایش داده، اما همزمان شاهد گسترش نقش آمریکا در گرنلند است. حتی فنلاند و دیگر متحدان اروپایی نیز در قالب رزمایش‌های ناتو در حال تقویت حضور در این منطقه‌اند. و اکنون یک واقعیت تاریخی همچنان پابرجاست: آمریکا در آلمان و ژاپن دهه‌ها حضور نظامی داشته و مسئله اصلی واشنگتن با کشورها، بیش از آنکه به شعار وابسته باشد، به منافع و معادلات قدرت مربوط است. در گرنلند نیز مسئله اصلی، موقعیت استثنایی این جزیره در رقابت فزاینده بر سر قطب شمال است؛ رقابتی که در آن روسیه، چین و آمریکا هرکدام به دنبال تثبیت موقعیت خود هستند. اما یک مانع همچنان سر جای خود است: مردم گرنلند. آنها بارها با ایده واگذاری جزیره به آمریکا مخالفت کرده‌اند و رهبران گرنلند نیز بر حق تعیین سرنوشت مردم این سرزمین تأکید کرده‌اند. بنابراین، ماجرا آزمونی است برای اینکه آیا قرن بیست و یکم شاهد بازگشت استعمار در لباس «امنیت»، «سرمایه‌گذاری» و «رقابت قطبی» خواهد بود یا نه.

یادداشت

سفر به نیویورک؛ تکرار یک نگرانی قدیمی

پدرام حسینی
روزنامه‌نگار

خبر سفر مسعود پزشکیان و هیأت همراه به نیویورک برای شرکت در اجلاس سالانه مجمع عمومی سازمان ملل، در شرایطی منتشر شده که آمریکا محدودیت‌های هیأت ایرانی را به شدت افزایش داده است. اما نگرانی اصلی فقط محدودیت‌های آمریکایی‌ها نیست؛ نگرانی بزرگ‌تر، تکرار مواضع نسنجیده‌ای است که در اجلاس بریکس در دهلی‌نو و اجلاس شانگهای در بیشکک مطرح شد؛ مواضعی که این سؤال را پیش روی افکار عمومی قرار داده است که آیا برای سخنان رئیس‌جمهور در یکی از مهم‌ترین تریبون‌های بین‌المللی، کنترل و هماهنگی لازم وجود دارد یا قرار است بار دیگر واشنگتن از یک موضع رسمی پزشکیان علیه منافع ایران بهره‌برداری کند؟

اگر قرار نیست بر مواضع نسنجیده پزشکیان که تحت تأثیر اصلاح‌طلبان، برجاسی‌ها و افرادی همچون قائم‌پناه، یوسف پزشکیان، الیاس حضرتی و طباطبایی قرار دارد، کنترل جدی وجود داشته باشد، اساساً این سفر چه ضرورتی دارد؟ ملت ایران نمی‌خواهد نیویورک به تکرار دهلی‌نو و بیشکک تبدیل شود. قرار نیست رئیس‌جمهور در مهم‌ترین تریبون جهانی، با بیان مواضعی که قابلیت سوءاستفاده سیاسی دارد، بار دیگر برای ترامپ خوراک تبلیغاتی فراهم کند.

این نگرانی وقتی جدی‌تری می‌شود که نفت در کانال بالای ۱۰۰ دلار قرار دارد و در شرایطی که به واسطه فتوحات انصاری و کنترل تنگه باب‌المندب، ایران و محور مقاومت دست بالاتری در نبرد با آمریکا، رژیم صهیونیستی و متحدان منطقه‌ای آنان دارند. کمتر از دوماه مانده به انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا، قیمت بالای نفت و انرژی به یکی از نقاط فشار اصلی دولت ترامپ و جناح جنگ‌طلب حامی او تبدیل شده است.

پزشکیان در اجلاس شانگهای، با ابراز تمایل برای بازگشت به توافق با آمریکا، موضعی را مطرح کرد که محل سؤال جدی است؛ توافقی که ترامپ صراحتاً آن را «کاغذپاره» خوانده است. از سوی دیگر، بی‌برنامگی در استفاده از ظرفیت این اجلاس برای تعمیق روابط با چین و روسیه، این سؤال را ایجاد کرد که آیا در دفتر رئیس‌جمهور، اهمیت چنین تریبون‌هایی به درستی درک شده است یا خیر.

این وضعیت یادآور هشدار رهبری شهید در سال ۱۳۸۹ در خصوص دولت اصلاحات و در دیدار با هیأت دولت دهم است؛ آنجا که فرمودند: «امروز وقتی رئیس‌جمهور یا مسئول ارشادی از دولت به خارج از کشور می‌رود، من نگرانی ندارم اما قبلاً نگران بودم که مسئولان در خارج از کشور می‌خواهند چه بگویند؟». اکنون به نظر می‌رسد همان نگرانی قدیمی بار دیگر در حال تکرار است. نگرانی از اینکه تریبون خارجی، به جای نمایش اقتدار و استفاده از ظرفیت‌های جمهوری اسلامی، به محل طرح مواضعی تبدیل شود که طرف مقابل بتواند از آنها بهره‌برداری کند.

تاکتیک وقت‌کشی واشنگتن

واشنگتن اگر به دنبال توافق فوری است، باید توضیح دهد چرا ضرب‌الاجل پیشنهادی دقیقاً در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا قرار گرفته است. آن هم در شرایطی که دولت ترامپ با فشارهای اقتصادی، افزایش هزینه انرژی و کالا و نگرانی از وضعیت رأی‌جمهوری خواهان مواجه است. توافقی که برای ایران هزینه و برای آمریکا فرصت تنفس انتخاباتی بسازد، بیش از آنکه توافق باشد، یک تاکتیک خرید زمان است.

همزمان با نزدیک شدن به موعد انتخاباتی آمریکا، کاخ سفید به توافق فریب‌پذیر جدید فکرمی‌کند

تله وقت‌کشی ترامپ

گمانه‌زنی‌ها، از احتمال سفر یکی از مقامات ارشد پاکستان به تهران برای انتقال پیام یا بسته پیشنهادی جدید آمریکا حکایت دارد؛ بسته‌ای که برای یک پنجره زمانی ۴۰ تا ۵۰ روزه طراحی شده و پرونده هسته‌ای و تنگه هرمز را همزمان دربرمی‌گیرد.



محسن فرهمند
روزنامه‌نگار

و در پایان همین بازه برگزار می‌شود؟ دولت ترامپ در شرایطی با فشارهای اقتصادی و سیاسی داخلی دست‌وپنجه نرم می‌کند که افزایش قیمت سوخت و کالا و استمرار نگرانی‌های تورمی، می‌تواند بر فضای انتخاباتی آمریکا اثرگذار باشد.

کوپن وارث رئیس‌فدرال رزرو، چهارشنبه هفته پیش در واشنگتن به خبرنگاران گفت: «واقعیت روشن این است که تورم بیش از حد بالاست و برای مدت زیادی بالا بوده است» بر اساس اعلام انجمن خودروی آمریکا، قیمت جهانی نفت نزدیک به بالاترین سطح خود، طی چهار ماه گذشته قرار دارد و میانگین قیمت هر گالن بنزین نیز از ۴.۳۰ دلار فراتر رفته است. اقتصاد آمریکا در روزهای اخیر نشانه‌هایی از فشارهای بیشتر را از جمله فروش گسترده اوراق قرضه که باعث افزایش هزینه استقراض برای دارندگان کارت‌های اعتباری و وام‌های مسکن شده، نشان داده است.

در چنین وضعیتی، یک توافق خارجی می‌تواند برای کاخ سفید دست‌کم یک

گمانه‌زنی‌ها در فضای رسانه‌ای و فضای مجازی از احتمال انتقال بسته پیشنهادی جدید آمریکا از مسیر پاکستان خبر می‌دهد، این گمانه‌زنی‌ها مدعی هستند که «طبق گزارش‌ها، احتمالاً یکی از مقامات ارشد پاکستانی در روزهای آینده به تهران سفر می‌کند تا پیام یا بسته پیشنهادی جدیدی از سوی واشنگتن را منتقل کند.»

بر اساس این روایت، آمریکا پیشنهادی را برای یک بازه زمانی محدود، حدود ۴۰ تا ۵۰ روز، آماده کرده است؛ پیشنهادی که قرار است برخلاف تفاهم اسلام‌آباد، از همان ابتدا موضوع تنگه هرمز و پرونده هسته‌ای را دربر بگیرد. به نظر می‌رسد این بسته مرتبط با نیاز ترامپ به دستیابی سریع به توافق و دارای کارکرد سیاسی و انتخاباتی است.

اما توافقی ۴۰ تا ۵۰ روزه چه کار کردی دارد و چرا این توافق باید درست در مقطعی طراحی شود که انتخابات میان‌دوره‌ای مجلسین آمریکا در نوامبر

افشاگری سریالی از خسارت بزرگ به پایگاه‌های آمریکایی در منطقه

تصاویر اختصاصی منتشر شده توسط رسانه آمریکایی «میداس‌تاچ» (MeidasTouch) حاکی از تخریب شدید یک پایگاه آمریکایی در کویت بر اثر حملات دفاعی ایران است. بنا بر گزارش این رسانه آمریکایی در این تصاویر چندین سازه به‌طور کامل با خاک یکسان شده و آوار در محوطه‌ای وسیع پراکنده شده است.

بنا بر این گزارش، سازه‌هایی که زمانی فعال و سالم بودند، اکنون به تلی از آوار تبدیل شده و بقایای آنها در محیط اطراف پراکنده شده است. این رسانه آمریکایی در ادامه این گزارش افزود که نگران‌کننده‌ترین نکته، یکی از تصاویر مربوط به یکی از پناهگاه‌های مستحکم این پایگاه آمریکایی است؛ همان نوع سازه مقاومی که نیروها آموزش دیده‌اند تا به محض تشخیص آتش دشمن، به آن پناه ببرند. بر اساس تصاویر، آن پناهگاه هدف اصابت مستقیم پهپاد قرار گرفته است.

بنا بر این گزارش، نکته‌ای که بیش از همه جلب توجه می‌کند، این واقعیت است که پناهگاهی که مشخصاً برای حفاظت از پرسنل در جریان حملات ساخته شده بود، خود هدف حمله قرار گرفته است. این رسانه آمریکایی افزود که باند پرواز پایگاه نیز در این حمله به‌طور کامل منهدم شده است.

گفتنی است رسانه آمریکایی سی‌بی‌اس پیش‌تر در گزارشی تصاویر اختصاصی را منتشر کرد که برای نخستین بار خسارات گسترده وارد شده به چندین پایگاه آمریکا در سراسر خاورمیانه در نتیجه حملات موشکی و پهپادی ایران را نشان می‌دهد.



پرونده فیلم ۱۰۰ بسته شد

آیین اختتامیه پانزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم ۱۰۰ به دبیری محدثه پیرهادی، شامگاه جمعه ۲۷ شهریورماه با حضور جمعی از مدیران فرهنگی، سینماگران و فیلمسازان در تالار اندیشه حوزه هنری برگزار شد.

در این مراسم که با حضور حجت‌الاسلام محمد قمی، محمد مهدی دادمان، راشد فریدزاده و جمعی از چهره‌های سینمایی همراه بود، برنامه با بخش سرود جمهوری اسلامی ایران و قرائت آیاتی از قرآن کریم آغاز شد. سپس کلیپی درباره نگاه رهبر شهید انقلاب به سینمای ایران و تیزر پانزدهمین دوره جشنواره برای حاضران به نمایش درآمد.

محدثه پیرهادی، دبیر جشنواره، با اشاره به شعار این دوره، «تو یکی نه‌ای، هزاری؛ تو چراغ خود برافروز»، از حضور فیلمسازان جوان و نگاه‌آمیدوارانه آنان به آینده ایران تقدیر کرد و گفت همه فیلمسازی که با امید برای ایران فیلم ساخته‌اند، فارغ از دریافت جایزه، برنده هستند.

در بخش حمایت از تولید که برای نخستین بار برگزار شد، فیلم‌نامه‌های «دوزن» نوشته علی ملک‌شاهی، «زنگم را بزن» نوشته مازیار تهرانی و «۰۹۸» نوشته مهدیه جعفری به‌عنوان آثار برگزیده معرفی شدند و فیلم‌نامه‌های «قهرمان» و «ترامپف» دیپلم افتخار گرفتند.

در بخش ملی «نبرد برای آینده»، «خط قرمز» ساخته محمدرضا دهقان جایزه بهترین فیلم هوش مصنوعی را دریافت کرد. در بخش مستند، «حفره» دیپلم افتخار گرفت و در انیمیشن از «وطن» تقدیر شد. در بخش داستانی نیز «دزدگیر» دیپلم افتخار گرفت و «سلام به ملکه» ساخته احمد حیدریان به‌عنوان بهترین فیلم معرفی شد.

در بخش بین‌الملل «نبرد برای کودکان جهان»، «قول بابا» در بخش هوش مصنوعی و «ردآبی» به کارگردانی فهیمه قاندری در بخش انیمیشن برگزیده شدند. در بخش داستانی، «بیتورا» ساخته محمد صالحی جایزه بهترین کارگردانی را دریافت کرد و «شاهد» ساخته حمید قائمی مهر به‌عنوان بهترین فیلم معرفی شد. «مالم یحدرت» نیز دیپلم افتخار گرفت.

در بخش ویژه «نبرد برای وطن»، هیئت داوران در بخش هوش مصنوعی اثری را شایسته جایزه ندادند. «دا» ساخته زینب زمانیان در بخش پویانمایی برگزیده شد و در بخش مستند، «اونکه تتو داره» ساخته مسعود دهنوی جایزه بهترین فیلم را دریافت کرد. در بخش داستانی نیز «جان بابا» و «شیفت اضافه» مشترکاً بهترین فیلم شدند و جایزه ویژه هیئت داوران به «پاپا بندری» رسید.

بخش «بادبادک» نیز از بخش‌های تازه این دوره بود که با هدف توجه به آثار مرتبط با کودکان برگزار شد و جایزه ویژه آن به «مهرگازده» ساخته علی صالحی اهدا شد. در جریان مراسم همچنین اجرای موسیقی محمد معتمدی و علیرضا پوراستاد، اجرای بخش‌هایی از نمایش «ضربان» و کلیپ بزرگداشت اکبر عبدی برگزار شد.

بحران در فیلمو

هلدینگ فناوران ایده‌پرداز صبا، مالک فیلمو، آپارات، صباویژن و سینماتیکت، با یک پرونده تازه در حوزه مالکیت و سهامداری روبه‌رو شده است. مهرداد رضوی، از سهامداران صباایده، علیه برادران شکوری مقدم طرح دعوا کرده و اختلافات مالی و سهامداری را محور این پرونده عنوان کرده است. جزئیات حقوقی این شکایت و خواسته دقیق خواهان تاکنون به‌صورت عمومی

فیلمو

ما دنبال داستانیم

به جهان تماشایی فیلمو خوش اومد!

سعید مصباح
روزنامه‌نگار

فناوران ایده‌پرداز صبا که با نام تجاری «صباایده» شناخته می‌شود، از قدیمی‌ترین مجموعه‌های فعال در اقتصاد دیجیتال ایران است. این مجموعه فعالیت خود را از سال ۱۳۸۳ آغاز کرد و در ادامه با راه‌اندازی یا توسعه سرویس‌هایی همچون آپارات و فیلمو، به یکی از بازیگران اصلی بازار ویدئوی آنلاین تبدیل شد. آپارات در سال ۱۳۸۹ و فیلمو در سال ۱۳۹۳ آغاز به کار کردند و صباایده در اسفند ۱۳۹۸ نیز با خرید باقی‌مانده سهام سینماتیکت، مالک صددرصدی این پلتفرم فروش اینترنتی بلیت سینما شد.

اکنون نام این مجموعه بار دیگر، این‌بار نه به دلیل یک محصول یا توسعه تجاری، که در ارتباط با یک اختلاف سهامداری مطرح شده است. مهرداد رضوی که ۱۲ درصد از سهام صباایده را در اختیار دارد، از برادران شکوری مقدم شکایت کرده است. با این حال، جزئیات قابل استناد درباره موضوع دقیق دادخواست، میزان مطالبه احتمالی و مرحله فعلی رسیدگی در منابع عمومی منتشر نشده است؛ بنابراین نمی‌توان ادعای مطرح‌شده را معادل صدور حکم یا اثبات تخلف دانست.

اهمیت سهم رضوی نیز با توجه به ساختار مالکیت صباایده قابل توجه است. آخرین ترکیب سهامداری منتشرشده در گزارش عملکرد این شرکت تا پایان شهریور ۱۴۰۱ نشان می‌دهد امیرحسین شکوری مقدم و حمیدرضا فضل‌اللهی هرکدام ۱۷.۵ درصد، شرکت ایران سیستم ۱۶ درصد، محمد مهدی شکوری مقدم ۱۵.۳۱ درصد و محمد جواد شکوری مقدم ۱۵.۲۸ درصد از سهام صباایده را در اختیار داشته‌اند. در همان گزارش، نامی از رضوی در میان سهامداران اصلی ذکر نشده بود؛ بنابراین درباره زمان ورود وی و تغییرات

دعوی مالی و سهامداری یکی از سهامداران صباایده با برادران شکوری مقدم

منتشر نشده و درباره نتیجه رسیدگی نیز نمی‌توان پیش‌پیش داوری کرد. اهمیت این پرونده اما از آنجا ناشی می‌شود که صباایده صرفاً مالک یک کسب‌وکار اینترنتی نیست؛ این مجموعه طی دو دهه به یکی از بازیگران اصلی بازار محتوای آنلاین ایران تبدیل شده و فیلمو به تنهایی در نیمه نخست سال ۱۴۰۱ بیش از ۵۷۴ میلیارد تومان درآمد ثبت کرده است.

احتمالی ترکیب سهامداری پس از آن باید با احتیاط سخن گفت.

ابعاد مالی صباایده نیز نشان می‌دهد دعوی احتمالی سهامداران در مجموعه‌ای کوچک و کم‌اهمیت رخ نداده است. فیلمو در شش ماه نخست سال ۱۴۰۱ بیش از ۵۷۴ میلیارد تومان درآمد داشته که حدود ۴۹۶ میلیارد تومان آن از فروش اشتراک، ۴۲ میلیارد تومان از تبلیغات و نزدیک به ۲۳ میلیارد تومان از فروش ترافیک حاصل شده بود. در همین دوره، درآمد عملیاتی کل صباایده از ۶۰۰ میلیارد تومان عبور کرد و سود خالص شرکت نیز بیش از ۲۳۷ میلیارد تومان گزارش شد.

صباایده در همان سال برای تأمین مالی فعالیت‌های فیلمو نیز به بازار سرمایه رفت. در آذر ۱۴۰۱، صکوک مراحجه چهارساله به ارزش ۳ هزار میلیارد ریال برای این شرکت منتشر شد که هدف آن تأمین سرمایه در گردش و خرید فیلم و سریال برای بانک اطلاعاتی فیلمو اعلام شد و تمام اوراق نیز به فروش رسید. بنابراین این اقدام به خودی خود نشانه بحران مالی نبود، بلکه یکی از روش‌های تأمین مالی شرکت برای توسعه محتوای فیلمو محسوب می‌شد.

از این منظر، پرونده تازه را باید یک اختلاف مهم در ساختار مالکیتی یکی از بزرگ‌ترین کسب‌وکارهای محتوایی کشور دانست. نتیجه این دعوا، در صورت تأیید رسمی جزئیات و صدور رأی، می‌تواند بر ترکیب سهامداران یا مناسبات مدیریتی صباایده اثر بگذارد؛ اما در شرایط فعلی، هرگونه سخن گفتن از تغییر مالکیت یا آینده فیلمو، پیش از روشن شدن مفاد دادخواست و تصمیم مرجع قضایی، زود هنگام است. تا زمان تنظیم این گزارش نیز واکنش رسمی برادران شکوری مقدم یا نمایندگان حقوقی آنان درباره ادعای مطرح‌شده در دسترس نیست.

فرهنگی آمریکا به صدا آورده است.

ماجرای آنجا اوج گرفت که دادگاه فدرال هرگونه حک نام ترامپ بر نمای اصلی سازه را بدون مجوز رسمی کنکره ممنوع اعلام کرد. در واکنش به این رای، وکلای دولت و هیئت‌مدیره دست‌چین‌شده ترامپ در لایحه‌ای ادعا کردند که ساختمان به دلیل پوسیدگی شدید سازه‌ای و عدم تصویب بودجه بازسازی ۲۵۷ میلیون دلاری، خطر جانی آنی دارد و در صورت ممانعت دادگاه، کل مجموعه با خاک یکسان خواهد شد.

این تنش‌ها زمانی به یک رسوایی رسانه‌ای بدل شد که خبرگزاری فرانسه تصویری شکارشده از دونالد ترامپ درون هواپیمای ریاست‌جمهوری (ایر فورس وان) منتشر کرد؛ تصویری که نشان می‌داد رئیس‌جمهور آمریکا متنی گرافیکی با عبارت جنجالی «مرکز‌کندی تخریب شد» را بررسی می‌کند.



مناقشه بر سر ثبت نام دونالد ترامپ بر سردر نمادین‌ترین قطب فرهنگی واشنگتن وارد فاز حقوقی و امنیتی بی‌سابقه‌ای شده است. تهدید صریح کاخ سفید مبنی بر «تخریب کامل» بنای مرکز هنرهای نمایشی کندی و تبدیل آن به یک آمفی‌تئاتر روباز، زنگ خطر را در محافل میراث

ترامپ علیه کندی!

نوبنیاد

■ صاحب امتیاز: محسن منصوری
■ مدیر مسئول: حمیدرضا بیانی
■ تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۹۳۷۲
■ کدپستی: ۱۵۹۹۷۵۷۱۵

■ آدرس: خ سپهبد قری خ شاداد پلاک ۲۲ واحد پنج
■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline
nobonyadonline.ir

فرهنگ
C U L T U R A L

یکشنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۵ ■ سال اول ■ شماره ۱۳۸

یادداشت

اراده پایین قانون‌گذار برای مقابله با قاچاق فیلم

مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

فردی که در زمان اکران فیلم سینمایی فسیل با فیلم‌برداری غیرمجاز از پرده سینما و انتشار نسخه قاچاق آن در فضای مجازی، خسارات قابل‌توجهی به صاحبان اثر وارد کرده بود، پس از شناسایی و دستگیری، در پی شکایت و پیگیری‌های قضایی، به شش ماه حبس، پرداخت جزای نقدی و جبران خسارات وارده به مالکان فیلم محکوم شد. حالا سوالی که این وسط پیش می‌آید این است که ضابط قضایی و مدعی‌العموم چطور می‌توانند با استفاده از ظرفیت‌های قانونی در این زمینه مجازات‌های بازدارنده‌تری به‌وجود آورند؟ آیا قانون این اجازه را به آن‌ها می‌دهد؟ ما به‌درستی عضو کنوانسیون برن و در نتیجه کی‌رایت نیستیم، اما نمی‌شود که آثار تلویزیونی، پلتفرمی و سینمایی مأمور حمایت قانون‌گذار واقع نشوند و پشت سرهم قاچاق شوند. از طرف دیگر وقتی مردم در فقره خرید سریال قهوه تلخ به حرف کارگردان گوش می‌دهند و اثر را به صورت قانونی تهیه می‌کنند ولی سریال به پایان نمی‌رسد دیگر اعتمادشان را در نبود قانون مشخص از دست می‌دهند و سریال‌ها را به صورت دانه‌دانه غیرقانونی می‌خرند، چون فکر می‌کنند سازندگان با آن‌ها صادق نیستند. این بی‌اعتمادی ریشه در خلأهای نظارتی و عدم شفافیت در وعده‌های تبلیغی دارد.

مخاطب امروز هوشمند است و اگر ببیند تعهدات سازنده به درستی انجام نشده، به راحتی به سمت بازار دانه‌دانه غیرقانونی می‌رود. برای نمونه، قانون حمایت از حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان هرچند که وجودش لازم است اما کافی نیست چون حفره‌های زیادی دارد و باید با نیازهای روز سازگار شود. ضابطان قضایی باید بتوانند با استناد به جرایم رایانه‌ای و اخلاق در نظام اقتصادی، مصادیق جدیدی از سرقت ادبی و هنری را پیگیری کنند. تا زمانی که جرمه‌ها بازدارنده نباشد و فرآیند اثبات خسارت برای هنرمندان دشوار بماند، چرخه معیوب قاچاق آثار ادامه خواهد یافت.

در نتیجه ما نیازمند تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی دقیق‌تر هستیم تا بتوانیم از بسترهای دیجیتال در برابر سودجویان محافظت کنیم. همچنین باید بسترهای توزیع‌کننده محتوای قاچاق نیز تحت پیگرد قرار گیرند و صرفاً جرمه کردن یک فرد در این میان کافی نیست. شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها باید الگوریتم‌های هوشمندی برای شناسایی و حذف خودکار نسخه‌های غیرمجاز طراحی کنند. اگر نه، هر روز شاهد ظهور یک فسیل جدید یا یک قهوه تلخ دیگر خواهیم بود که به جای لذت بردن از محتوای سرگرم‌کننده به محلی برای نزاع بر سر حقوق پامال‌شده تبدیل می‌شود. در نهایت، اراده ملی و عزم عمومی برای رعایت اخلاق حرفه‌ای در کنار قوانین سخت‌گیرانه، تنها راه‌نجات این صنعت است. بدون تمهیدات اساسی و زیرساخت حقوقی، آینده این صنعت تاریک خواهد بود.